

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

فرستنده: ر. پیکار جو

۰۹ مارچ ۲۰۱۸

۸ مارچ روز جهانی زن را گرامی می داریم!

هیچ جنبشی، بدون حضور اجتماعی زنان در آن، به ثمر نخواهد نشست!

بحران اقتصادی که از سال ۲۰۰۸ شروع شده سبب رکود جنبشهای کارگری در سطح جهانی و به ویژه خاورمیانه شده است. اما در اوج این بحران جهانی به روشنی می بینیم که زنان با سرعت و تعداد بیشتری از مردان، به فقر و فلاکت رانده می شوند. در جهان که زنان سه چهارم بیسوادان و اکثریت فقرای آن را تشکیل می دهند، وخیم بودن اوضاع اقتصادی و تحمیل سیاست های نئولیبرالی، بیش از گذشته سبب تعمیق فاصله طبقاتی بر مبنای جنسیت شده است. فقر روز افزون، یکی از موانع اساسی زنان در راه دست یابی به تحصیل و کار و پیشرفت بوده است. تا آنجا که به ایران و افغانستان بر می گردد، حاکمیت ارتجاع اسلامی، با نهادینه نمودن قوانین قرون وسطائی ضد زن، بیشترین تبعیض جنسیتی و طبقاتی را بر زنان دو خطه اعمال نموده و از نظر اقتصادی- سیاسی و اجتماعی آنها را در موقعیت درجه دوم قرار داده است. باز گرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هرچه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مردسالاری و نابرابری فزاینده ای را از نظر اجتماعی بر زنان حاکم نموده است. فرودستی و تبعیض و نابرابری، فقدان تأمین اجتماعی و سرکوب و خشونت بر زنان که ریشه در نظام سرمایه داری دارد، شرایط دشواری را برای زنان، تحت سلطه حکومت های ارتجاعی مذهبی در ابعاد گسترده ای ایجاد نموده است. با این حال اعتراض و مبارزه زنان علیه این همه نابرابری و بربریت حکومت های اسلامی به اشکال مختلف و به طور تعطیل ناپذیری ادامه داشته و دارد.

پس از مهندسی و به قدرت رسیدن "دولت وحدت ملی" در افغانستان وضعیت و شرایط زندگی زنان رو به وخامت گذاشته است. "دولت وحدت ملی" به رهبری غنی که متشکل است از نیروهای ارتجاعی اسلامی و قومی در اثر تناقضات درونی خودش در حال فروپاشی و اضمحلال قرار دارد و هر دو جناح آن در تلاش استحکام مواضع و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی شان بر طبل ارتجاع، تحجر و انقطاب تباری بیشتر و محکمتر از قبل می کوبند تا بتوانند در پرتو آن ادامه حیات و قدرت شان را ضمانت نمایند. دولت پوشالی که نماینده ارتجاعی ترین نیروها و باورها است، با تأیید و حمایت حامیان بین المللی اش در کمپ ارتجاع بورژوا-امپریالیستی تحت نام داعیه صلح و آشتی، احزاب و جریان های به شدت جانی، عقبگرا و ارتجاعی هم کیش و هم سنخ خودش مانند حزب اسلامی به رهبری گلبدین و اخیراً

طالبان را با دادن امتیاز های مادی و سیاسی به مشارکت در قدرت سیاسی فرخوان داده است. این روشن است که همکاسه شدن این نیروهای جنایت پیشه و ارتجاعی منجر به تقویت پایه های قدرت و استحکام مواضع هرچه بیشتر نیروهای ارتجاعی اسلامی می شود که حاصل آن چیزی جز تقویت و نهادینه شدن هرچه گسترده تر تبیین های مردسالار و بر مبنای آن تضعیف دست آورد های نیم بند کنونی و افزایش خشونت نسبت به زنان و ستم و نابرابری جنسیتی نخواهد بود؛ همین اکنون نیز حاکمیت ارتجاعی با اعمال سیاست های زن ستیزانه و مشروعیت دادن به عقائد خرافی مبتنی بر شرع اسلامی در تشدید خشونت بر زنان، ستم جنسی و تقویت افکار ضد زن سهم بارزی دارد. زنان محروم ترین و بی حقوق ترین افراد جامعه را تشکیل می دهند که از یک طرف بار ستم طبقاتی را بر دوش می کشند و از جانب دیگر قربانی ستم و نابرابری جنسیتی اند. نیروهای ارتجاعی شریک قدرت سیاسی و هم مخالفان آن در شکل و شمایل طالبان و داعش با الهام از افکار و عقائد عصر حجر اسلامی و مردسالارانه روزی نیست که تراژیدی وحشتناک و صحنه های آزار دهنده ای را خلق نکنند. محاکمه صحرانی یک زن جوان توسط مردان مسلمان در ولایت تخار و شلاق زدن و بی حرمت ساختن زن دیگری در ملا عام، سه شنبه ۸ حوت/ اسفند سال روان، در ولایت فاریاب توسط طالبان نمونه های کوچک و هولناکی از اعمال خشونت نسبت به زنان است؛ برای قدرت حاکمه و حامیان امپریالیست آن تأمین منافع، تحقق ستراتیژی های کلان و ادامه قدرت شان در اولویت قرار دارد. پر واضح است که اولین قربانیان تأمین این منافع و تحقق ستراتیژی مشارکت طالبان در قدرت را زنان تشکیل خواهند داد. روشن است که اقتصاد ایران در حالی با عواقب بحران جهانی روبه رو شده که خودش مدت هاست که در بحران و رکود اقتصادی دست و پا می زند: قراردادهای سفید، مزدهای ماه ها پرداخت نشده، حداقل دستمزد قانونی زیر خط فقر، دو سه "کار" در روز برای یک زندگی بخور و نمیر، با عدم وجود پوشش های اجتماعی درمانی و بیکاری و سالمندی. عواقب این بحران زندگی هر چه بیشتر خانواده های کارگری و زحمتکش را به فقر و فلاکت کشانده، و بیشترین آسیب را متوجه زنان نموده است.

زنان ایران و به ویژه زنان مهاجر افغان در حدود چهار دهه است که در نظام حاکم سرمایه داری ایران تحت قوانین ارتجاعی اسلامی و خشونت مردسالاری هر روز چند ده بار تحت ستمهای جنسیتی و طبقاتی قرار می گیرند. به حکم قانون ارتجاعی حکومت اسلامی زن به عنوان فرد به رسمیت شناخته نمی شود، وقتی همسر دارد هویت او با همسرش تعریف می شود، کارش را تنها به عنوان کار کمکی و یدکی به رسمیت می شناسند و حتی اگر هم کار ثابت داشته باشد از حق عائله و مسکن و بقیه مزایا... محروم است. با متوسل شدن به این ارزشهای سنتی عقب مانده است که زن موقعیت ارزان اقتصادی نزد سرمایه پیدا کرده است. در این راستا است که جنبش جاری زنان با شروع خیزش مردمی در چند ماه گذشته در ایران پا به عرصه مبارزه گذاشته است. این مبارزه و اعتراضات در تداوم تحرکاتی است که از انقلاب ۵۷ شروع شد، و زنان را در گروه های بزرگ به خیابان و به مبارزه دسته جمعی کشاند، تا به امروز به اشکال مختلف جریان دارد. ماحصل آن امروز مبارزات زنان و دختران خیابان انقلاب که با برگرفتن حجاب و اعتراض به حقوق پایمال شده شان است، نسلی است که از تلاش مدام و مبارزه روزمره با ندیده گرفتن ارزش ها و خلاقیت هایشان برای دست یابی به شرایط برتر اجتماعی، برابری در حقوق فردی و جایگاه اجتماعی و کسب آزادی لحظه ای از پا نمی نشینند. تداوم این مبارزه امروز زن کارگر نیشکر هفت تپه ئی است که با سخنان خود کارگران را برای ادامه مبارزه علیه کارفرماها و دولت سرمایه اسلامی بسیج می نماید. نکته قوت این مبارزه مبارزه خانواده های کارگری به ویژه زنان آنها است که دوشادوش همسرانشان برای متحقق شدن مطالبات و خواسته هایشان ایستاده اند. این جنبش با وجود این که تا کنون با سرکوبهای بیرحمانه، دستگیری و زندان روبه رو بوده و بهای سنگینی پرداخته،

اما هنوز در صحنه خیابانها در جریان است. ممنوعیت ها و خط قرمزها را پشت سر گذاشته، علیه قوانین ارتجاعی مذهبی، علیه پوشش و حجاب تا رفع هر گونه ستم جنسیتی و طبقاتی برخاسته است. از نکته قوت این خیزش مردمی این است که با عدم توهم به این و یا آن جناح، کل موجودیت نظام جمهوری اسلامی را زیر سوال برده است. حرکت اعتراضی زنان نشانگر این است که برای دست یابی به خواست ها و مطالباتشان نیاز به تغییر ساختارهای سیاسی است. آن ها با مشارکت کمیته و کیفیتاً تعیین کننده شان در جنبش اعتراضی خیابانی، با نقش انکار ناپذیرشان در رادیکال کردن آن نشان داده اند که در راه تحقق برابری جنسیتی در حقوق شان نیز با نظم و ساختار سیاسی حاکم مواجه اند و بدون هیچ توهمی این مانع را باید از سر راه بردارند.

روند حرکت های اعتراضی خیزش مردمی بار دیگر بعد از جنبش ۸۸ ثابت کرده که سیر حرکت نیروهای اجتماعی در تند پیچهای مبارزاتی است که توده های مردم در مدت زمانی بسیار کوتاه به اندازه چندین سال کار آرام تجربه می آموزند. اهمیت نقش تعیین کننده ای که زنان مبارز در گسترش و حتی رادیکالیزه شدن جنبش ضد استبداد بازی کرده اند در این است که آنها انزوای جنبش زنان را در مبارزه با نظام بربریت و مردسالارانه در هم شکسته اند، و در نتیجه می توانند متحدین خود را در اقشار پیشرو جامعه و در تقابل با طبقات و اقشار مرتجع گسترش دهند. و زنان مبارز جنبش زنان و زنان کارگر جنبش کارگری که در خیزش مردمی علیه استبداد و نظم سیاسی پیشتاز شده اند و شور و اراده خود را برای تغییر نظام سیاسی حاکم نشان داده اند طولی نخواهد کشید که به ضرورت تحول در ساختار اقتصادی و نظم سرمایه داری هم پی ببرند.

به شکل خلاصه می توان گفت که در شرایط کنونی و تا همین جا زنان با شرکت گسترده خود در خیزش مردمی ایران نشان داده اند که بدون وجود آنها و خواست های برابری طلبانه شان، مطالبات هیچ جنبشی متحقق نخواهد شد و آنها پای ثابت و بی چون و چرای هر حرکتی برای رهایی از مناسبات سرمایه داری و ایجاد جامعه ای مبتنی بر برابری و آزادی اند. سرانجام این زنان اند که با حضور سرنوشت ساز خود در عرصه یک مبارزه عظیم در جامعه حرکت جنبش زنان را به سوی ایجاد تشکل های توده ای و اعتلای فعالیت اجتماعی تسهیل خواهند کرد.

اما نقش مستقیم و تعیین کننده طبقه کارگر است که می تواند چشم انداز حرکات متشکل سراسری جنبش زنان را در مسیر تازه ای قرار دهد. طبقه کارگر طبعاً با ابزارهایی که در دسترس دارد، مانند اعتصابات سراسری، شرایط جدید و امکانات تازه ای پیش پای جنبش های اجتماعی دیگر باز خواهد کرد و باعث تقویت و سرعت در اتخاذ جهت گیری های مناسب اوضاع خواهد شد. در چنین اوضاعی شرایط برپا کردن تشکل های توده ای، آن تشکل هایی که حضور زنان در اجتماعات بزرگ جهت سازماندهی امور جامعه در همه عرصه ها بدون آن ها ممکن نخواهد گردید، برای این جنبش فراهم خواهد شد.

زنده و پیروز باد جنبش آزادیخواهانه زنان!

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

کانون کارگران سوسیالیست

مارچ ۲۰۱۸؛ حوت/ اسفند ۱۳۹۶